

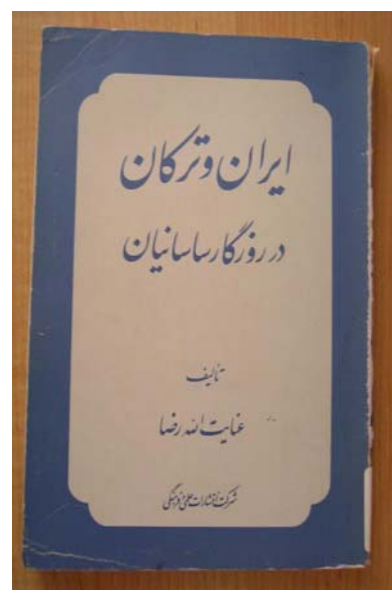
برگرفته از شهربراز:

http://shahrbaraz.blogspot.com/2008/07/blog-post_10.html

ایران و ترکان در روزگار ساسانیان

آدینه ۲۱/تیر/۱۳۸۷ - ۱۱/جولای/۲۰۰۸

این هفته کتابی خواندم به نام «ایران و ترکان در روزگار ساسانیان»:



نام کتاب: ایران و ترکان در روزگار ساسانیان
نویسنده: عنایت الله رضا
ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
سال: ۱۳۶۵ خ/ ۱۹۸۶ م
صفحه: ۲۳۱ (با نمایه)

بنا بر پشت جلد، این نخستین کتاب به زبان پارسی که به تمامی به ارتباط بین ایرانیان و ترکان آسیای میانه در روزگار ساسانیان می‌پردازد.

استاد رضا این کتاب را در سال ۱۳۵۸ آماده کرده بود اما چاپ آن در سال ۱۳۶۵ خ صورت گرفت. این کتاب در سال ۱۳۷۴ نیز بازچاپ شده است.



فهرست کتاب چنین است:

پیشگفتار

بخش نخست: اشاره‌ای کوتاه به نظام دولتی و نظامی ایران در سده‌های ششم و هفتم میلادی

بخش دوم: شرحی کوتاه پیرامون پژوهش تاریخ ترکان

بخش سوم: نام و منشاء و مذهب ترکان

بخش چهارم: مبداء تاریخ ترکان

بخش پنجم: گوشه‌ای تاریک از تاریخ

بخش ششم: ترکان و ایران در روزگار خسرو انوشیروان

بخش هفتم: ترکان و ایران در روزگار شاهنشاهی هرمزد چهارم و اوایل پادشاهی خسرو دوم

بخش هشتم: خاقانات غربی

بخش نهم: خاقانات شرقی و دو اتحاد بزرگ جهانی

بخش دهم: هجوم مشترک ترکان، خزران، و رومیان به ایران در روزگار خسرو دوم (پرویز)

بخش یازدهم: پایان کار ساسانیان و انهدام ترکان

فهرست نامها و نمایه

تمام کتاب پر است از نکته‌های مهم و خواندنی و نمی‌دانم کدام بخش آن را اینجا بیاورم. یکی از نکته‌های مهم، بررسی نقش اقتصاد و بازرگانی (به ویژه تجارت ابریشم) در ارتباط بین سه امپراتوری چین (تولیدکننده)، ایران (بازرگان و واسطه) و روم (مصرف‌کننده) است که در این میان هر یک از این سه امپراتوری، گروهی از ترکان را به سود خود به کار می‌گرفتند. ایران به خاطر قدرت بزرگ خود و کنترل راه‌های ارتباطی و نیز واسطگی فروش، ابریشم را از چینیان ارزان می‌خرید و به رومیان گران می‌فروخت و بدین ترتیب توان اقتصادی و سرمایه‌ی آنان برای جنگ با ایران کاهش می‌یافت.

در این کتاب تاکید شده که ترکان از سده‌های پنجم و ششم میلادی در تاریخ مطرح می‌شوند. می‌دانیم که تورانیان مردمی ایرانی‌نژاد بودند که از سده‌های پیش از میلاد در آسیای میانه زندگی می‌کردند. اما بعدها (از سده‌های پنجم میلادی به بعد) سرزمین تورانیان به دست ترکان افتاد و به تدریج (به ویژه در زمان فردوسی) ترک و تورانی یکسان پنداشته شدند. با نگاه به نام‌های تورانیان در شاهنامه (مانند افراسیاب، اغریث، ارجاسپ، و ...) به راحتی می‌توان به این موضوع پی برد. بخش پنجم بحث مفصلی در این باره دارد. این بند را به خاطر بحث زبانی می‌آورم:

اما در پیرامون نام «تور»، استاد پورداود واژه تور را مطابق واژه سانسکریت «دلیر و پهلوان» دانسته که در فرهنگ‌های فارسی نیز به همین معنی آمده است. ولی در لهجه‌های گیلگی و کردی واژه «تور» مرادف دیوانه، وحشی و سرکش بکار می‌رود. استاد پورداود بر این عقیده است که «چون تورانیان دشمن ایرانیان بوده‌اند، بعدها از این کلمه دیوانه و وحشی اراده کرده‌اند.»

دانشمند آلمانی «مارکوآرت (Josef Marquart)» تورانیان را مردمی ایرانی‌نژاد دانسته که چادرنشین و بیابان‌گرد و از حیث تمدن از ایرانیان شهرنشین و کشاورز پست‌تر بودند و همواره به ایرانیان دستبرد [می‌زدند و به غارت و یغما می‌پرداختند. از این رو ایرانیان اقوام چادرنشین وحشی را تور نامیدند.

(تا آنجا که من می‌دانم در زبان تاتی - که در تاجکستان قزوین صحبت می‌شود - نیز تور یا توره به معنای دیوانه است.)

جالب آن که از یک همه‌ترکانگاری (pan-Turkist) به نام «شمس‌الدین کمال‌الدین» در [مقاله‌ای درباره‌ی ریشه‌ی](#)

«سامانیان» در سال ۲۰۰۵ م / ۱۳۸۴ خ - پس از ۱۱۰۰ سال که همه به ایرانی بودن آنان باور دارند - ادعا کرده که بهرام چوبین، اسپهبد بزرگ ایرانی و شاه ساسانی که از خاندان اشکانی مهران بود، ترک غز (آسیای میانه) بوده است! در نتیجه خاندان ایرانی سامانیان - که خود را از بازماندگان بهرام چوبینه می‌دانستند و باعث نوزایی فرهنگ ایرانی پس از اسلام شدند - ترک بوده‌اند! ادعای ترک بودن بهرام چوبینه بیشتر به جوک شبیه است و آن قدر بی‌پایه است که نیازی به پاسخ نیست اما جالب اینجاست که وی برای ادعای خود صفحه‌ی ۱۵۲ همین کتاب را نشانی داده است. حال آن که در صفحه‌ی ۱۵۲ این کتاب استاد رضا چنین نوشته است :

بعضی از مورخان کوشیده‌اند وجود **بازماندگان** بهرام چوبینه را در آسیای میانه چون بازماندگان قبیله‌های مشابه، قبایل ترک وانمود کنند و آنان را بخشی از «ایل» ترکان بدانند. این اندیشه **سراپا خطا و از ریشه نادرست** است.

می‌بینید که استاد رضا نه تنها حرفی درباره‌ی ترک غز بودن بهرام چوبینه نزده بلکه حتا این ادعا را که بازماندگان بهرام نیز ترک باشند به شدت رد کرده است. این هم نمونه‌ی دیگری از دغل‌کاری و دروغ‌گویی «همه‌ترکانگاران» که برای جبران کمبود و خودکم‌بینی تاریخی و فرهنگی‌شان، همچون نیاکان بیابانگرد و غارتگر خود که سرزمین ایرانیان را غارت می‌کردند دست به غارت فرهنگ ایرانی می‌زنند.

استاد عنایت الله رضا اثر گرانسنگ دیگری نیز دارد به نام «آذربایجان و اران: چگونه شد که نام آذربایجان بر آران قفقاز گذاشته شد». که آن نیز در سال ۱۳۶۱ خ/ ۱۹۸۳ م چاپ شده و چندین بار دیگر نیز بازچاپ شده است. ایشان در این کتاب به این بحث مهم می‌پردازد که چگونه نام آذربایجان ایران (آذربایجان واقعی) بر اران در قفقاز گذاشته شد و این ناحیه امروز به نام جمهوری آذربایجان خوانده می‌شود. بعد درباره‌ی این کتاب نیز خواهیم نوشت.